

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای

جهانی در حوزه‌ی خانواده

سینا کلهر* آسیه ارحامی**

چکیده

امروزه دو قرائت از وضعیت خانواده در نتیجه‌ی فرآیند جهانی شدن وجود دارد. در قرائت اول، تغییر ساختارها و کارکردهای خانواده، به عنوان نشانه‌ای از فروپاشی و بحران در خانواده‌ی معاصر تلقی می‌گردد، در حالی که در قرائت دوم، تغییرات صورت گرفته در خانواده‌ی سنتی، به نفع تکثر اشکال خانوادگی و امری مطلوب قلمداد می‌شود. در بسیاری از کشورهای جهان قوانین و سیاست‌های متعددی در راستای پذیرش رویکرد دوم وضع شده که به شرایط بحرانی خانواده و تضعیف آن دامن زده است. نوشتار حاضر تلاش نموده تا ضمن بررسی سیاست‌های جهانی تقویت‌کننده‌ی تغییرات مفهومی و کارکردی نهاد خانواده در غرب، به بررسی سیاست‌های کلان و موردی جمهوری اسلامی ایران در خصوص خانواده بپردازد. این امر از طریق بررسی اسنادی، استفاده از رویکرد سیاست‌پژوهی و با تأکید بر ارزیابی سیاست‌ها انجام شده است. بررسی روند سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد مجموعه‌ی سیاست‌های کلان اتخاذ شده در مقایسه با سیاست‌های جهانی، کاملاً خانواده‌گرا بوده و در تضاد با پذیرش سیاست‌های تکثرگرا در خصوص اشکال و مفهوم خانواده است. البته در راستای تکثر قوانین خانواده محور، در نظام جمهوری اسلامی ایران، قوانین و سیاست‌هایی نیز وضع شده که می‌توان آنها را همگرا با سیاست‌های جهانی ذکر شده قلمداد کرد. هر چند این امر به طور مستقیم منجر به فروپاشی خانواده‌ی ایرانی نمی‌گردد، اما این سیاست‌ها با اختلال در الگوی مطلوب خانواده و تضعیف آن موجب تشدید آسیب‌های اجتماعی چون افزایش طلاق، کاهش ازدواج، کاهش فرزندآوری و ... می‌شوند.

واژگان کلیدی

جهانی شدن، تضعیف نهاد خانواده‌ی سنتی، سیاست‌ها و قوانین کشورهای مختلف، سیاست‌ها و قوانین جمهوری اسلامی ایران.

* - دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علوم و تحقیقات (Sina.kalhor@gmail.com)

** - کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه تهران (a.arhami@yahoo.com)

۱- مقدمه و بیان مسئله

جهانی شدن فرایند فشرده‌گی فضا و زمان، کوچک شدن پدیدار شناسانه‌ی جهان و شکل‌گیری جامعه‌ای جهانی است (گل محمدی ۱۳۸۱). در این کل واحد، برای متحول کردن و یکسان شدن جوامع و سنت‌ها در جهت خلاف باورها و نمادهای هویتی‌شان، فشارهایی اعمال می‌شود که منجر به نسبی شدن فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و باورهای جوامع می‌گردد. این فرایند موجی از همگونی فرهنگی را پدید می‌آورد که در آن وجه غالب و بخش عمده‌ی فرهنگی که جهانی می‌شود، غربی است.

در این میان، نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که در معرض تغییرات جهانی قرار گرفته است. یکی از عمده‌ترین تأثیرات جهانی شدن فرهنگ در نهاد خانواده، تغییر مفهوم آن، نقش‌های اعضا و نحوه‌ی شکل‌گیری خانواده است. این دگرگونی‌های ساختاری عمیق، از آنجا که با دگرگونی در شکل و مفهوم خانواده‌ی سنتی^۱ همراه است، به بحران و حتی فروپاشی نهاد خانواده‌ی سنتی در جامعه‌ی جهانی منجر شده است. هر چند که برخی از اندیشمندان چون آنتونی گیدنز^۲ و کاستلز^۳ موارد فوق را تحولی در ساختار

۱- Traditional Family منظور از خانواده سنتی، در این نوشتار، الگویی از خانواده است که بر اساس نهاد ازدواج و به صورت قانونی و شرعی بین زن و مرد شکل می‌گیرد. در این خانواده، تقسیم کار سنتی مبتنی بر جنسیت، یعنی نقش نان‌آوری و حضور در فضای خارج از خانه برای مردان و نقش‌های خانگی و تربیتی برای زنان حاکم است.

2- Anthony Giddens

3- Castells.Manuel

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

خانواده می‌دانند نه نشانه‌ای از فروپاشی خانواده.

افزایش آمار طلاق،^۱ رواج همزیستی‌های خارج از چارچوب ازدواج شرعی و قانونی، گسترش سقط جنین قانونی و ... از مهم‌ترین شاخص‌های این تغییر ساختار است؛ برای مثال آمار افراد ازدواج نکرده در آمریکا در طول سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۵۰ از ۳۵ درصد به ۵۰ درصد افزایش یافته است.^۲ به علاوه نرخ ازدواج در هر یک هزار نفر در سال ۱۹۹۰ میلادی در اروپا ۶۳ درصد گزارش شده بود، در حالی که این رقم در سال ۲۰۰۸ میلادی به ازای هر یک هزار نفر به ۴/۹ درصد کاهش یافته است (<http://www.mashreghnews.ir/>).

از سوی دیگر به واسطه‌ی گسترش روابط خارج از چارچوب ازدواج، میزان تولدهای نامشروع در ۲۷ کشور عضو اتحادیه‌ی اروپا بالغ بر ۳۷/۴ درصد است که نسبت به ۲۰ سال گذشته تقریباً دو برابر شده است. بر اساس این آمار ۴۰ درصد نوزادانی که در اتریش متولد می‌شوند، نامشروع بوده و پیش از ازدواج رسمی زن و مرد پا به دنیا می‌گذارند. کشور استونی در شرق اروپا با ۵۹/۲ درصد و یونان با ۶/۶ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین آمار کودکان نامشروع را در اروپا دارند (www.irna.ir).^۳ در استرالیا نیز ۱/۳ کودکان، خارج از چارچوب ازدواج سنتی و خانواده‌ی رسمی به دنیا می‌آیند (<http://www.mydivorce.com>). تمامی این موارد، نشان دهنده‌ی تغییر مفهوم

۱- هرچند که به واسطه‌ی گسترش آمار زندگی‌های مشترک خارج از چارچوب ازدواج و تضعیف نهاد ازدواج، آمار طلاق دیگر مفهوم گذشته را دارا نیست.

۲- به نقل از تهران تایمز، ۲۸ دسامبر ۲۰۱۱: ۵. counting down on Obama.

۳- گزارش سالنامه اروپا به نقل از خبرگزاری ایرنا، ۱۰/۱۰/۱۳۹۰.

و کارکردهای خانواده‌ی متداول می‌باشد.

با توجه به تغییر و تحولات صورت گرفته در حوزه‌ی خانواده، دو قرائت متفاوت از وضعیت خانواده در جهان فعلی وجود دارد (گیدنز ۱۳۷۹: ۹۲). گروه اول که در حقیقت، طرفداران و حامیان خانواده‌ی سنتی را تشکیل می‌دهند، تغییر ساختار خانواده و کارکردهای آن را نشانه‌ای از بحران و در نتیجه فروپاشی در خانواده‌ی معاصر تلقی می‌کنند. این گروه با نگرانی روند همزیستی‌های خارج از چارچوب ازدواج، کاهش نرخ رشد جمعیت و افزایش فرزندان نامشروع را دنبال کرده و معتقدند با گسترش این روند، خانواده دیگر مفهومی نخواهد داشت. به عبارت دیگر، از نظر آنها، آنچه در حال حاضر، خانواده نامیده می‌شود، هیچ یک از ملاک‌ها و معیارهای خانواده را نداشته و اطلاق نام خانواده بر آنها بی‌معناست.

گروه دیگر روند تغییرات را مثبت ارزیابی کرده و معتقدند آنچه در حال رخ دادن در بسیاری از کشورهاست، تغییر خانواده‌ی سنتی به نفع تکثر انواع اشکال خانوادگی است که بایستی از آنها استقبال کرد. آنها فروپاشی ساختار خانواده‌ی فعلی را نشانه‌ای از پایان پدرسالاری می‌دانند (کاستلز ۱۳۸۰: ج ۲: ص ۱۸۰) که ضرورتاً به معنای پایان خانواده نیست، زیرا در جریان آن نظم و نسق‌های دیگری برای خانواده آزمایش می‌شود و ممکن است در نهایت طریقه‌ی زندگی افراد با یکدیگر و چگونگی زادوولد و تربیت آنها را به شیوه‌هایی دیگر و شاید بهتر بازسازی کند (همان).

آنچه در دیدگاه دوم حائز اهمیت است، پذیرش هر نوع تغییری در مفهوم، ساختار، کارکرد و روابط اعضای خانواده و در نتیجه بی‌مفهوم بودن وقوع کژکارکرد در خانواده است. در این نگاه، دامنه‌ی تعریف خانواده بر هر نوع رابطه‌ی عاطفی اطلاق می‌شود، به شرط آنکه اصول حاکم بر دیدگاه لیبرال‌ها یعنی «اعتماد»، «ارتباط» و «پرهیز از خشونت» در آنها رعایت شود. در چنین شرایطی، جامعه باید روابط هم‌جنس‌گرایان و حتی فراتر از آن «دو مرد و یک زن» را نیز پذیرا باشد. این تعریف بسیار باز و گسترده از خانواده با تمامی تعاریف پذیرفته شده از آن در کل تاریخ، مغایرت دارد. نهاد خانواده با وجود تمامی تغییرات ایجاد شده در ابعاد و کارکردهای آن، همواره و در طول تاریخ، متشکل از یک زن، مرد و فرزندان بوده که به آن معنا می‌بخشیدند (هر چند که این خانواده به تناسب شرایط تاریخی، ابعاد و کارکردهای متفاوتی در طول تاریخ داشته است)^۱، اما در قرائت دوم تلاش می‌شود، هر نوع رابطه‌ای حتی رابطه‌ی دو همجنس نیز در حیطه‌ی روابط خانوادگی تلقی شود.

علی‌رغم تفاوت دیدگاه‌ها، آنچه در هر دو رویکرد، بر سر آن توافق وجود دارد، بحران خانواده‌ی سنتی در فرایند یکپارچگی جهانی است. این بحران، به معنای ضعیف شدن الگویی از خانواده است که بر اساس نهاد ازدواج و به صورت قانونی و شرعی بین زن و مرد شکل می‌گیرد. در

۱- اگرچه در برخی از جوامع در گذشته الگوی چند همسری رواج داشته یا همچنان دارد با این همه الگوی متداول خانواده در بسیاری از کشورهای جهان خانواده سنتی بوده است.

نتیجه‌ی این بحران، تحولات متعددی در مفهوم، ساختار و نقش‌های اعضا در خانواده‌ی سنتی رخ داده است.

با وجود دخالت عوامل و متغیرهای متعدد در تحولات نهاد خانواده، آنچه به گسترش این روند دامن زده، نقشی است که قدرت‌های سیاسی به خصوص دولت‌ها از طریق سیاست‌گذاری در حوزه‌ی خانواده، هم‌راستا با پذیرش قرائت دوم ایفا کرده‌اند. به عبارت دیگر، وضع برخی سیاست‌ها و قوانین خاص در راستای حمایت از اشکال جدید روابط - که آن را خانواده می‌نامند - در برخی از جوامع اروپایی و آمریکای شمالی و سپس گسترش آن در تمامی جهان از طریق کنوانسیون‌ها یا فشار گروه‌های ذی‌نفع به خصوص فمینیست‌ها، در گسترش این بحران نقش مهمی داشته است. البته پذیرش اشکال جدید خانواده در همه‌ی کشورها یکسان نیست و در برخی از کشورها، قوانینی در مغایرت با روند جهانی تضعیف خانواده نیز وضع شده است.

با توجه به نقش سیاست‌ها در گسترش تحولات مذکور در نهاد خانواده، نوشتار حاضر سعی دارد تا ضمن بررسی سیاست‌های جهانی تقویت‌کننده‌ی تغییرات ساختاری و کارکردی نهاد خانواده به بررسی سیاست‌های کلان و موردی جمهوری اسلامی ایران در خصوص خانواده بپردازد. هدف از این نوشتار، پاسخ به سؤالات زیر است:

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

۱. چه سیاست‌هایی مشوق تحولات نهاد خانواده در غرب (تغییر مفهوم آن، نقش‌های اعضا و نحوه‌ی شکل‌گیری خانواده) هستند؟
۲. سیاست‌های مرتبط با نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران تا چه میزان در تعارض یا هماهنگی با این سیاست‌هاست؟
بر این اساس مقاله در دو بخش مجزا، ابتدا به بررسی روندهای جهانی سیاست‌گذاری نهاد خانواده و در ادامه به ارزیابی میزان واگرایی یا همگرایی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای مذکور خواهد پرداخت.
این امر از طریق بررسی اسنادی، استفاده از رویکرد سیاست‌پژوهی و با تأکید بر ارزیابی سیاست‌ها انجام شد.

روندهای جهانی سیاست‌گذاری در نهاد خانواده، در سه سطح سیاست‌های ناظر به تغییرات در مفهوم، نقش‌های اعضا و تداوم نهاد خانواده بررسی شد. سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی نهاد خانواده نیز، در دو سطح سیاست‌های کلان و راهبردی و نیز سیاست‌های موردی و انضمامی شناسایی شد. اصول مرتبط قانون اساسی، سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه، سند چشم‌انداز بیست ساله، سیاست «اهداف و اصول تشکیل خانواده و تحکیم و حمایت از آن»، و در نهایت دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (رحمته‌الله) و مقام معظم رهبری «دَافِعَةُ»، سیاست‌های راهبردی به عنوان اسناد فرادست برای قوانین موضوعی این حوزه می‌باشد. در مقابل

۱- اگرچه این سیاست‌ها بسیار متکثر است این مقاله تلاش نموده به برخی از مهم‌ترین سیاست‌ها پردازد.

در رابطه با روندهای موردی و انضمامی حوزه‌ی خانواده با توجه به تکثر و گستردگی این سیاست‌ها به عنوان نمونه‌های مصداقی به مواردی چون قانون مجازات اسلامی و ... توجه شده است.

۲- سیاست‌های جهانی مشوق تحولات نهاد خانواده در غرب

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، کشورهای مختلف با پذیرش تکثر اشکال خانواده در فرایند جهانی شدن، تلاش کرده‌اند تا قوانین و سیاست‌های خود را در راستای آن تنظیم کنند. با بررسی سیاست‌های کشورهای مختلف، مشخص می‌شود که بسیاری از کشورها چون سوئد، دانمارک، کانادا، بسیاری از ایالت‌های آمریکا، انگلیس، آرژانتین و ... به استقبال از تضعیف خانواده سنتی رفته و در حقیقت به آن دامن زده‌اند. این امر با پذیرش دیدگاه تکثر در رابطه با خانواده در فرایند یکپارچگی جهانی و تصویب قوانین مختلف جهت به رسمیت شناختن روابط خارج از چارچوب خانواده، سقط جنین، ازدواج هم‌جنس‌گرایان، حقوق کودکان نامشروع، آموزش مسائل جنسی در کلاس‌های درسی، حمایت از نهضت‌های فمینیستی، تمرکز بر مفهوم زن به جای خانواده در سیاست‌ها و ... محقق شده است. البته تأثیر این قوانین و سیاست‌ها در فروپاشی خانواده یکسان نبوده است.

این سیاست‌ها مشوق تحولات نهاد خانواده در ابعاد مختلف هستند:

۱. تغییر در مفهوم نهاد خانواده (با پذیرش اشکال جدید روابط خانوادگی)؛
۲. تغییر در نقش‌های متداول اعضا در نهاد خانواده (کارکرد نهاد خانواده)؛
۳. تضعیف در اقتدار و جایگاه نهاد خانواده.

۱-۲- سیاست‌های ناظر به تغییر مفهوم نهاد خانواده

چنان‌که ذکر شد منظور از خانواده‌ی سنتی، در این نوشتار، الگویی از خانواده است که بر اساس نهاد ازدواج و به صورت قانونی و شرعی بین زن و مرد شکل می‌گیرد. سیاست‌های ناظر به تغییر در مفهوم نهاد خانواده با پذیرش مؤلفه‌هایی چون تأیید هر نوع رابطه‌ی عاطفی به عنوان روابط اعضای خانواده، جنسیت‌زدایی از روابط همسران (روابط نهادینه‌ی همجنس‌گرایی به مثابه واحد خانواده)، آزادی افراد در روابط جنسی و انتقال آن به خارج از چارچوب خانواده موجب تضعیف نهاد خانواده‌ی سنتی شده‌اند. این قوانین از طریق تعارض با مفهوم خانواده‌ی سنتی در هنجار شکنی خانواده‌ی سنتی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در ادامه به برخی از این سیاست‌ها اشاره شده است.

۱-۱-۲- حمایت از زندگی مشترک خارج از چارچوب ازدواج

از آغاز تاریخ، همواره ازدواج به مثابه چیزی بیش از یک همبستگی جنسی پایدار که توسط سنت‌های اجتماعی یا آیین‌های دینی تأیید می‌شود، بوده است. در دوره‌های تاریخی مختلف و فرهنگ‌های متفاوت، ازدواج به رابطه‌ی جنسی منحصر نبوده، بلکه هویت بخشی به کودکان و حضانت آنها، مدیریت و مالکیت اموال، انتقال هویت اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی همچون موقعیت، الزامات و انتظارات همگی در ازدواج شکل می‌گرفته است.

با وجود این، با شروع دوران روشنگری، برخی از نویسندگان چون جان لاک با ادبیاتی کاملاً سکولاریستی به بازتعریف مفهوم ازدواج پرداختند.

نویسندگان عصر روشنگری مانند دیوید هیوم و آدام اسمیت به تدریج غرب را آماده‌ی پذیرش این موضوع کردند که کودک می‌تواند توسط یک سرپرست ازدواج نکرده نیز پرورش یابد، زن و مرد می‌توانند بدون نیاز به ازدواج رسمی با یکدیگر زندگی کنند و به راحتی می‌توانند این زندگی توافقی را نیز خاتمه دهند. در نتیجه‌ی این تلاش‌ها، ازدواج از یک امر مشارکتی که خداوند، سنت‌ها و قوانین به آن قداست می‌بخشیدند به عنوان قراردادی تبدیل شد که دو نفر بین خود و با لحاظ حقوق فردی خود منعقد می‌کنند (ویلسون ۱۳۸۳: ۲۶۴ و ۲۶۵).

به علاوه با شروع فعالیت‌های جنبش‌های آزادی خواهانه همچون جنبش فمینیسم، اعطای آزادی‌های بیشتر به زنان و افزایش فردگرایی در بین آنها، با حذف یا کم رنگ کردن اهمیت خانواده همراه شد؛ به ویژه آنکه برخی فمینیست‌ها، ازدواج و تشکیل خانواده را محل بروز نابرابری‌های اجتماعی و عامل ستم بر زنان می‌دانستند.

نهادینه شدن این تحولات، نیازمند اهرم‌های قانونی و پشتوانه‌های سیاسی بود و نظام‌های غربی با طرح شعارهای دموکراسی و حقوق بشر، درصدد اصلاح یا تغییر ماهیت قوانین، استراتژی‌ها و نگرش‌های جامعه برآمدند. یکی از دلایل ترجیح زندگی توافقی در مقابل پیوند ازدواج در غرب، محوریت مسائل اقتصادی و امتیازاتی است که برای مجردها در نظر گرفته شده است؛ برای مثال تا قبل از سال ۱۹۶۱ در آمریکا، زوج‌های متأهل می‌توانستند برای هر دو نفر در یک خانه، درخواست کاهش مالیات کنند، در

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

حالی که مجردین حق یک درخواست را داشتند، اما در سال ۱۹۶۹ امتیازات بیشتری برای مجردین در نظر گرفته شد و همین مسئله باعث افزایش تمایل به زندگی توافقی گردید (فرمند و بختیاری ۱۳۸۶: ۱۴۸ به نقل از Miller, 2001: p34). به علاوه، مقامات سوئدی اعلام رسمی کرده‌اند که به نظر آنها همه‌ی قوانینی که به زوجها مربوط می‌شود، باید به گونه‌ای تدوین گردد که برای ازدواج مزیتی بیش از همزیستی آزاد قائل نشود. در چنین شرایطی خانواده به تدریج از یک واحد با هویت اجتماعی خاص، خارج و تبدیل به رابطه‌ای شد که بنا بر میل اعضای آن تعریف می‌شود. بدین ترتیب ازدواج از وضعیتی قانونی، به انتخابی شخصی تبدیل شد که دیگر نحوه‌ی شکل‌گیری و دوام آن از منظر قانون بی‌اهمیت تلقی می‌شود.

امروزه، دیگر همزیستی بدون ازدواج در بسیاری از کشورهای غربی جرم تلقی نمی‌شود. در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه در ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای غربی زندگی مشترک بدون ازدواج، به امری متداول تبدیل شده است.

۲-۱-۲- حمایت از همجنس‌گرایان و به رسمیت شناختن ازدواج آنها

با آنکه همجنس‌گرایی در طول تاریخ و در همه‌ی فرهنگ‌ها و زمان‌ها وجود داشته، اما در چند دهه‌ی اخیر، جریان‌های اجتماعی متعددی در دفاع از حقوق همجنس‌گرایان زن و مرد و آزادی جنسی شکل گرفته است. این جریان از سال ۷۰-۱۹۶۹ در ایالات متحده آغاز و سپس به اروپا و از آنجا به سراسر جهان گسترش یافت (کاستلز ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۴۷). امروزه بسیاری

از کشورهای اروپایی و آمریکایی حقوق همجنس‌گرایان را به رسمیت می‌شمارند (www.bbc.co.uk/persian)^۱ و قوانینی را در راستای قانونی کردن ازدواج آنها تصویب کرده‌اند؛ برای مثال هم اکنون در آرژانتین، پرتغال، بریتانیا^۲ و برخی از ایالات آمریکا، قوانین حمایتی از همجنس‌گرایان تصویب شده است (همان)، دانمارک اولین کشوری است که ازدواج همجنس‌گرایان را تحت عنوان اتحاد مدنی و با حقوقی پایین‌تر نسبت به ازدواج، قانونی نمود و هلند اولین کشوری به شمار می‌آید که ازدواج همجنس‌گرایان را به صورت مذهبی و با حقوق برابر ازدواج دگرجنس‌گرایان قانونی کرده است. سیاست‌های حمایتی از همجنس‌گرایان به گونه‌ای رشد یافته که حتی کشورهای چون ایالات متحده، ورود به ارتش را برای همجنس‌گرایان بدون مشکل می‌دانند. در ایالات متحده تا اواخر سال ۲۰۱۰ قانونی به نام «نپرس، نگو»^۳ وجود داشت که به موجب این قانون، همجنس‌گرایان به شرط آنکه که گرایش جنسی خود را آشکار نکنند، اجازه‌ی ورود و خدمت در ارتش را داشتند. در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۰ میلادی، با رأی مجلس سنای ایالات متحده‌ی آمریکا، قانون نپرس، نگو با رأی موافق ۶۵ عضو سنا و به رغم مخالفت ۳۱ سناتور عضو حزب جمهوری‌خواه باطل و خدمت همجنس‌گرایان در آمریکا آزاد شد (همان).

۱- به عنوان مثال هیلاری کلینتون وزیر خارجه ایالت متحده، در سخنرانی خود در ۷ دسامبر ۲۰۱۱ حمایت از افرادی که گرایش‌های جنسی متفاوتی دارند را از اهداف مهم سیاست خارجی این کشور دانسته است.

۲- «تحول ازدواج در بریتانیایها»، به روز شده در: ۱۱:۱۸ گرینوویچ، پنج شنبه ۸ دسامبر ۲۰۰۵

۳- این قانون در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون به تصویب رسید.

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

فیلم‌های سینمایی زیادی تاکنون با مضمون همجنس‌گرایی و حمایت از همجنس‌بازان ساخته شده است. بسیاری از این فیلم‌ها برنده یا کاندیدای جوایز مختلفی چون اسکار و گلدن گلوب بوده‌اند. فیلم‌هایی چون «قوی سیاه»^۱، «کوهستان بروک بک»^۲، «میلک»^۳، «بوسه‌ی زن عنکبوتی»^۴ و با تمرکز بر روی این موضوع ساخته شده‌اند. به عبارت دیگر سیاست‌های سینمایی و به تبع آن آموزش‌های عمومی و اجتماعی این کشورها نیز حامی همجنس‌بازان و درصدد رفع مشکلات آنهاست.

قیح‌زدایی از روابط همجنس‌گرایان، به رسمیت شناخته شدن ازدواج آنها و پذیرش فرزند از سوی ایشان در قوانین کشورهای مختلف در قالب جنسیت‌زدایی از روابط همسران، نقش مهمی در تغییر مفهوم نهاد خانواده‌ی سنتی و به تبع آن تضعیف این خانواده ایفا کرده است.

۲-۲- سیاست‌های ناظر به تغییر کارکردهای خانواده

سیاست‌های ناظر بر تغییر کارکرد خانواده، با پذیرش روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج که مبتنی بر گسترش آموزش مسائل جنسی در مدارس برای نوجوانان است و به رسمیت شناختن سقط جنین (به علت گسترش بارداری‌های خارج از چارچوب ازدواج) در تضعیف نهاد خانواده‌ی سنتی مؤثر بوده‌اند.

- ۱- ساخته دارن آرونوفسکی، محصول سال ۲۰۱۰، برنده جوایز بهترین بازیگر زن اسکار ۲۰۱۱
- ۲- ساخته انگ لی، محصول سال ۲۰۰۵، برنده سه جایزه از اسکار و ۴ جایزه از گولدن گلوب
- ۳- ساخته گاس ون سنت، محصول سال ۲۰۰۸، برنده جایزه بهترین بازیگر مرد در اسکار ۲۰۰۹
- ۴- ساخته هکتور بابنکو، محصول سال ۱۹۸۵، برنده جایزه بهترین بازیگر مرد از اسکار و نخل طلایی

۲-۲-۱- حمایت از آموزش مسائل جنسی در مدارس

با آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، حرکتی برای ورود روش‌های آموزشی تهی از ارزش و غیر ارشادی در مدارس آمریکا شکل گرفت (گاردنر ۱۳۸۶: ۱۴۳). بخش اعظمی از این روش‌های آموزشی غیر ارزشی را آموزش مسائل جنسی و شیوه‌های جلوگیری از بارداری برای نوجوانان، در برمی‌گیرد. طی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۵، آموزش مسائل جنسی در مدارس، به مطالعه‌ی علوم پایه زیست‌شناسی (پرنده‌گان و زنبورها) محدود بود و کلاس‌های دختران و پسران از یکدیگر تفکیک شده بود، اما از سال ۱۹۶۶ تا به حال آموزش مسائل جنسی در مدارس محدودیتی ندارد (همان). این آموزه‌ها که مبتنی بر جنبه‌های لذت‌جویانه‌ی زندگی است، سبب بروز وقایعی چون گسترش روابط جنسی در سنین کم و خارج از چارچوب ازدواج، افزایش سقط جنین در نوجوانان و... شده است.

در نتیجه‌ی گسترش چنین آموزش‌هایی، سن برقراری روابط جنسی بسیار پایین آمده و امروزه در کشورهای غربی درصد بسیار بالایی از کسانی که با هم ازدواج می‌کنند، زندگی مشترک قبل از ازدواج^۱ را تجربه کرده‌اند. در حالی که در نسل گذشته چنین امری یک رسوایی اجتماعی محسوب می‌شد. در سوئد، تنها ۲۸ درصد خانواده‌ها بر اساس ازدواج رسمی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و حدود ۵۵ درصد افراد زندگی مشترک بدون ازدواج دارند. در دانمارک نیز آمارها نشان دهنده‌ی حدود ۳۸ درصد ازدواج

1- Cohabitation

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

رسمی در مقابل ۴۸ درصد زندگی مشترک بدون ازدواج است (عنایت و موحد ۱۳۸۳: ۱۵۸).

بر اساس نتایج پژوهش‌ها، در بین کشورهای اروپایی انگلیس بالاترین آمار سقط جنین را دارد. مطالعات نشان می‌دهد، نرخ بارداری دوران نوجوانی در انگلیس ظرف یک دهه‌ی گذشته افزایشی معادل یک سوم را تجربه کرده، که نیمی از آن مربوط به دختران زیر ۱۸ سال است (www.jamejamonline.ir).^۱ بدین ترتیب سیاست‌های آموزش مسائل جنسی در راستای تقدس زدیادی از خانواده، آزادی جنسی و ترویج روابط خارج از چارچوب ازدواج عمل می‌کنند و در تعارض با کارکردهای نهاد خانوادگی سنتی هستند.

۲-۲-۲- حمایت از سقط جنین

تا اواسط قرن نوزدهم، سقط جنین، فقط تا زمانی که روح به جنین وارد نشده - یعنی تا زمانی که مادر احساس نمی‌کند که جنین حرکت می‌کند - قانونی بود. با آغاز قرن بیستم، نهضت ضد سقط جنین موفق شد، سقط جنین را در تمام ایالت‌های آمریکا غیرقانونی کند. در اواسط دهه‌ی ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ تلاش‌های بی‌شماری جهت تغییر قانون سقط جنین و قانونی کردن آن از سوی بسیاری از متخصصان به ویژه پزشکان، روان‌شناسان و وکلای صورت گرفت. برای اصلاح این قوانین هر گروه از این متخصصان، دلایل خاص خود را برای اصلاح این قوانین داشتند. در سال ۱۹۶۵ چندین پزشک و وکیل، انجمن مطالعه‌ی سقط جنین را در شهر نیویورک پایه‌گذاری

۱- به نقل از روزنامه جام جم، شماره خبر: ۲۷۱۳، ۲۶/۸/۱۳۸۸.

کردند. آنها بر این باور بودند که قوانین موجود برای حفظ سلامت زنان ناکارآمدند. سرانجام با اعمال این فشارها، به ویژه از سوی فمینیست‌ها به بهانه‌ی شناسایی حق زنان جهت کنترل بر عملکردهای جنسی خود و آزادی جنسی، در سال ۱۹۷۳ قانون تجویز سقط جنین توسط دادگاه عالی ایالات متحده به تصویب رسید. تصویب این قانون بدین معنا بود که پزشکی مدرن، سقط جنین را به امری «به نسبت بی‌خطر» تبدیل کرده است. از آن زمان تا به حال، مطالعات زیادی در راستای اثبات نادرستی این ادعا انجام شد (بلالی ۱۳۸۲: ۱۵۴). در ایالات متحده، پس از قانونی شدن سقط جنین، حدود ۱۷۵ زن در نتیجه‌ی سقط جنین قانونی و ۱۷ زن در اثر سقط غیر قانونی در یک دوره‌ی یک ساله فوت کردند که نشان می‌دهد، قانونی کردن سقط جنین نمی‌تواند مانع بی‌خطر شدن آن برای زنان شود (گاردرنر ۱۳۸۶: ۲۷۶).

مطالعه‌ی قوانین مرتبط با سقط جنین در ۱۵۲ کشور با جمعیت بالای یک میلیون نفر، نشان می‌دهد که ۴۱ درصد از جمعیت جهان در ۵۰ کشوری زندگی می‌کنند که سقط جنین در آن کاملاً قانونی است. ۲۱ درصد در ۴۱ کشوری زندگی می‌کنند که سقط جنین در آنها بر اساس برخی زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مجاز شمرده می‌شود. ۱۲ درصد در ۵۳ کشوری زندگی می‌کنند که سقط جنین در آنها غیرقانونی است، مگر در مواردی که سلامت زن به خطر بیفتد. ۲۶ درصد در ۷۴ کشوری زندگی می‌کنند که سقط جنین در آنها کاملاً تحریم شده و اجازه‌ی آن فقط برای نجات جان مادر است. این کشورها در خصوص سقط جنین احکام دینی دارند (بلالی ۱۳۸۲: ۱۵۵).

در حال حاضر حمایت قانونی از سقط جنین نه تنها سبب کاهش خطرات این موضوع برای زنان نشده بلکه با گسترش آن در بین نوجوانان، مشکلات متعددی را نیز فراهم آورده است. در این نوع قوانین، جنین موجود زنده تلقی نشده و بنابراین نیازمند حمایت قانونی نیز شناخته نمی‌شود. سقط جنین قانونی، به بهانه‌ی در نظر گرفتن حق کنترل بر عملکرد جنسی و بدن برای زنان، یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده یعنی تولید مثل را بی‌اهمیت فرض کرده و حقوق یکی از مهم‌ترین اعضای خانواده، یعنی کودکان را نادیده می‌گیرد. در چنین شرایطی، نگهداری و تربیت کودکان به عنوان یک مسئولیت اجتماعی و مدنی به شمار نمی‌آیند بلکه کودکان به عنوان مایملک شخصی فرض می‌شوند که به راحتی می‌توان در مورد حق حیات آنها تصمیم گرفت. به این ترتیب می‌توان قوانین حمایت از سقط جنین را در راستای تضعیف نهاد خانواده در نظر گرفت، چرا که در تعارض با یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده یعنی تولید مثل و در تعارض با حقوق یکی از مهم‌ترین اعضای آن یعنی فرزندان است. از سوی دیگر سیاست‌های حمایتی از سقط جنین را می‌توان در راستای تحقق انقلاب جنسی و هویت زدایی از مفهوم خانواده و اقتدار حاکم بر آن تلقی کرد.

۲-۳- سیاست‌های ناظر بر تضعیف تفکیک نقش‌های جنسیتی در خانواده

یکی از عمده‌ترین تأثیرات جهانی شدن در نهاد خانواده، دگرگونی نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده‌ی اعضای خانواده است. در نتیجه‌ی فرایند جهانی شدن، نقش‌های محول بر مبنای ازدواج سنتی - که

برای مردان نان‌آوری و حضور در فضای خارج از خانه و برای زنان نقش‌های خانگی بود. دستخوش تغییر شده است. افزایش چشمگیر اشتغال زنان از جمله نتایج این تحولات است. نکته‌ی حائز اهمیت آنکه اگرچه بخشی از افزایش اشتغال زنان در جامعه برآمده از اضطرار و نیاز اقتصادی خانواده است، اما بخش اعظم این افزایش ناشی از تبدیل شدن اشتغال به یک ارزش اجتماعی و عاملی برای کسب اعتبار اجتماعی است؛ امری که متأثر از نحوه‌ی سیاست‌گذاری دولت‌ها در تشویق زنان به اشتغال بوده است.

سیاست‌های تشویقی اشتغال زنان به خصوص سیاست‌های تبعیض مثبت، در تضعیف تفکیک نقش‌های جنسیتی در خانواده بسیار نقش آفرین بوده است. این سیاست‌ها که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان بر مبنای حمایت از حقوق زنان اعمال می‌گردد، افزایش حضور زنان در عرصه‌ی عمومی را بدون توجه به پیامدهای آن بر نهاد خانواده دنبال می‌کنند. در سیاست تشویقی، تفکر غالب بر این اساس است که وقتی زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند چرا باید جامعه را از نتایج کار آنها محروم کرد؟ در چنین شرایطی کار نکردن زنان به معنای توسعه نیافتگی جامعه و هدر رفتن نیروی انسانی در خانه تلقی می‌شود؛ برای مثال بنا بر گفته‌ی جانث دیویس در زمانی که فقط ۷ درصد از زنان سوئد گفته بودند «دوست دارند تمام وقت کار کنند» و ۵۳ درصد از آنان مایل به کار بیرون از منزل نبودند، سیاستمداران این کشور به نحوی القا کردند که در خانه ماندن زنان خیانت به دولت محسوب می‌شود و این امر منجر به افزایش اشتغال زنان در سوئد

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

شد (گاردنر ۱۳۸۶: ۲۱۹). از سویی دیگر اصلاح قانون مالیات‌ها در سوئد در سال ۱۹۷۱ سبب شد تا پرداخت مالیات به وسیله‌ی زن و شوهر به صورت مشترک ممنوع شود. قوانین این کشور به شکلی تنظیم شده که چنانچه زنان در خانه بمانند و از کودکان خود سرپرستی کنند، متحمل فشارهای اقتصادی می‌شوند، به نحوی که اگر زنی بخواهد «فقط خانه‌دار» باشد، دچار ضرر مالی می‌شود (همان). این سیاست‌ها امروزه در بسیاری از کشورها در حال اجراست.

در نتیجه اعمال این سیاست‌ها در سطح گسترده، ساختار خانوادگی سنتی (مرد نان‌آور و زن خانه‌دار و اقتدار طولی حاکم بر آن) تغییر شکل یافته است. همچنین افزایش اشتغال زنان با پیامدهایی چون کاهش تمایل به فرزندآوری و افزایش تعداد مهدکودک‌ها و کاهش اقتدار مرد همراه است که این مسئله به معنای از بین رفتن هویت خانوادگی سنتی است.

۲-۴- سیاست‌های ناظر به تضعیف اقتدار نهاد خانواده

این سیاست‌ها با پذیرش عناصری چون طلاق بی‌تقصیر به فروپاشی هر چه بیشتر نهاد خانوادگی سنتی و شکل‌گیری اشکال جدید خانواده چون خانواده‌های تک‌والد نقش مهمی در تضعیف اقتدار و جایگاه نهاد خانواده ایفا نموده‌اند.

۲-۴-۱- طلاق بی تقصیر

امروزه بسیاری از کشورها در نظام حقوقی خود از سیستم «طلاق بی تقصیر»^۱ پیروی می‌کنند.^۲ در این سیستم برخلاف گذشته، دیگر نیازی به اثبات علت گسستن پیوند ازدواج نیست. در طلاق بی تقصیر کسی به عنوان مقصر شناخته نمی‌شود و صرف درخواست طلاق برای تحقق آن کافی است. در الگوی ازدواج سنتی، هر یک از زن و مرد حقوق و وظایف متقابلی را نسبت به یکدیگر داشتند و هر یک از زوجین در صورت ارائه درخواست طلاق مکلف بود، مدارکی را برای اثبات کوتاهی (تقصیر) همسر خود از انجام وظایفش جمع‌آوری کند. در حالی که طلاق بی تقصیر احتیاج به اثبات شرایط جدایی را نادیده می‌گیرد. در این نوع از طلاق، هر کدام از زوجین می‌تواند به مجرد تقاضای طلاق، بدون نیاز به اثبات تقصیر دیگری، طلاق گرفته و احکام مالی هم بر تقسیم مساوی دارایی‌های زوجین مبتنی است (کریستس ۱۳۸۷: ۱۵). نتیجه‌ی چنین رویکردی افزایش طلاق و تغییر در ساختار خانواده به موجب افزایش خانواده‌های تک‌والد است. از سوی دیگر این نوع طلاق، قدرت فرد را برای دور افکندن سریع و آسان نقش‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی افزایش داده است. به عبارت دیگر نتیجه‌ی اعمال این سیاست سهل‌گیرانه، فروپاشی آسان و هر چه بیشتر خانواده‌ی سنتی است.

1- NO. Fault Divorce

۲- اولین ایالتی که در ایالات متحده این قانون را به اجرا گذاشت، ایالت کالیفرنیا بود.

با توجه به مطالب مذکور، می‌توان نتیجه گرفت سیاست‌های کشورهای غربی بر تضعیف خانواده‌ی سنتی و کارکردهای آن متمرکز شده است. در شرایطی که جهت‌گیری سیاست‌ها و قوانین کشورها به سمتی است که زوج‌هایی که بدون ازدواج با هم زندگی می‌کنند همان مالیاتی را می‌پردازند که زوج‌های ازدواج کرده پرداخت می‌کنند، یا حتی مزایای رفاهی دریافت می‌کنند که از زوج‌های ازدواج کرده دریغ می‌شود، یا وقتی به همجنس‌گرایان همان مزایا و موقعیت متأهلان اعطا می‌شود، یا به زنان جوان برای زایمان و نگهداری از کودکان نامشروع یارانه پرداخت می‌شود (گاردنر ۱۳۸۶)، یا یکی از دو زوج خواستار طلاق بدون تقصیر حق گرفتن نیمی از دارایی‌های زناشویی را از شریک پای‌بند به زناشویی دارد دیگر نمی‌توان استحکام و پایداری خانواده‌ی سنتی را انتظار داشت. امروزه، بسیاری از کشورها بدون توجه به پیامدهای اعمال چنین سیاست‌هایی، به تأسی از کشورهای غربی و در نتیجه‌ی فرایند جهانی شدن و یکپارچگی جهانی فرهنگی، چنین قوانینی را محور سیاست‌گذاری‌های خود قرار داده‌اند؛ به نحوی که امروزه در بیشتر کشورهای دنیا، بسیاری از این سیاست‌ها در حال اجراست.

۲-۴-۲- سیاست‌های ناظر بر کاهش تأثیر نهاد خانواده در هویت‌یابی افراد در دنیای امروز، خانواده کارکرد هویت‌بخش خود به افراد را از دست داده است. در دولت مدرن برخلاف نظامات اجتماعی پیشین، واحد بنیادین، فرد و به عبارت دقیق‌تر شهروند است. توجه ویژه به مفهوم شهروند و متنوع کردن آن از موقعیت‌های اجتماعی چون خانواده، قومیت، مذهب و

... جهت‌بخش سیاست‌گذاری عمومی دولت در اروپا و آمریکا بوده است. ذیل چنین تأکیدی بر مفهوم فرد - شهروند و در کنار تلاش جریان فمینیسم، موضوع اصلی سیاست‌گذاری دولت در چارچوب سرزمینی خود نه خانواده بلکه اعضای متنوع آن به ویژه زنان بوده است.

امروزه به واسطه گسترش نهضت‌های جهانی دفاع از حقوق زنان، کنوانسیون‌ها و کنفرانس‌های متعددی در دفاع و حمایت از حقوق زنان تشکیل شده است. جنبش‌های دفاع از حقوق زنان در بسیاری از کشورها نفوذ کرده و حتی حمایت‌های دولت‌ها را نیز در مواردی به دست آورده‌اند. تأکید بر حقوق فردی برابری جویانه و مساوی بودن تمامی شهروندان در برابر قانون، سبب ایجاد اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد، کنوانسیون منع هر گونه خشونت علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک و ... شد، اما تاکنون اعلامیه و منشور جهانی در دفاع از حقوق خانواده صادر نشده است.

بسیاری از کشورها در همگرایی با سیاست‌های حمایت از حقوق زنان به این کنوانسیون‌ها پیوسته‌اند؛ برای مثال تا سال ۲۰۰۳، ۱۷۵ کشور به کنوانسیون منع هر گونه خشونت علیه زنان ملحق شدند هرچند ۴۷ کشور با حق شرط این کنوانسیون را پذیرفته‌اند. نام‌گذاری ۸ مارس با عنوان روز جهانی زن و نام‌گذاری سال ۱۹۷۵ با عنوان سال بین‌المللی زن بخش دیگری از این سیاست جهانی است.

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

جنبش‌های فمینیستی با ارائه‌ی تصویر مظلوم واقع شدن زنان در طول تاریخ و پایمال شدن حقوق آنها سبب گسترش تمرکز مجامع جهانی و قانون‌گذاران بر مسئله‌ی حقوق زنان شده‌اند، اما در این میان، به اهمیت خانواده و تحکیم آن بی‌مهری شده و برای تحکیم بنیان خانواده در مجامع بین‌المللی هیچ تلاشی صورت نمی‌گیرد.

تاکنون در جهان در راستای حمایت از حقوق و مسائل زنان گروه‌های آموزشی، پژوهشی، اجرایی دولتی و غیر دولتی متعددی شکل گرفته، اما در این میان مسائل و چالش‌های پیش روی خانواده‌ی مدرن فراموش شده است. تأسیس رشته‌ی مطالعات زنان در بسیاری از کشور و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد متعدد در راستای حمایت از زنان از جمله‌ی این تلاش‌هاست. محور قرار گرفتن زنان در برنامه‌ها به جای تمرکز بر خانواده، نتیجه‌ای جز این نداشته که امروزه زنان در جهان در بسیاری از حوزه‌ها همچون مسائل سیاسی، مدیریتی، آموزشی، اقتصادی و ... موفقیت‌های چشمگیری کسب کرده‌اند اما به موازات حضور بیشتر زنان در عرصه‌ی عمومی، شاهد تضعیف نهاد خانواده و هویت‌بخشی آن هستیم.

سؤال این است که در چنین فضایی روند سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران چه سمت و سویی داشته است؟ به عبارت دیگر آیا سیاست‌های وضع شده در جمهوری اسلامی ایران در راستای حمایت از خانواده‌ی سنتی و کارکردهای متداول آن بوده است؟ چه نسبتی بین سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی خانواده با روندهای جهانی وجود دارد؟ آیا

سیاست‌ها و قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز تحت تأثیر فرایند جهانی شدن، سیاست‌های پذیرش تغییر در ساختارها و کارکردهای خانوادگی سنتی را پذیرفته است؟

در ادامه تلاش شده، با بررسی سیاست‌های وضع شده در جمهوری اسلامی ایران در دو بخش سیاست‌های کلان و قوانین موردی به این سؤالات پاسخ داده شود.

۳- ارزیابی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده

آنچه در بررسی سیاست‌ها و قوانین جمهوری اسلامی ایران باید لحاظ شود، تفکیک سیاست‌ها و خط مشی کلی نظام از سایر قوانین موجود است. چرا که این سیاست‌ها، به عنوان اسناد بالادست، تعیین کننده‌ی روند و رویکرد سایر قوانین هستند.

۳-۱- مروری بر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نظامی برآمده از احکام اسلامی، سیاست‌گذاری‌ها و به تبع آن قانون‌گذاری‌های شکی کاملاً ارزشی داشته و پیرو دستورات شرع مقدس است. از آنجا که الگوی فرهنگی نظام اسلامی، کاملاً خانواده محور است، در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران نیز بر حفظ بنیاد خانواده به عنوان یک مصلحت کلان تأکید شده است. این مهم در اصل (۱۰) قانون اساسی تصریح شده است؛ «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه‌ی اسلامی است، همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط

باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه‌ی حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

در سیاست‌ها و اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز توجه به حقوق زنان و حمایت از آنها در کنار لزوم حمایت از خانواده (بر خلاف سیاست‌های جهانی) دیده شده است. به عبارت دیگر این دو مفهوم در ادبیات نظام جمهوری اسلامی ایران تفکیک‌ناپذیر و لازم و ملزوم یکدیگرند. در ادامه برخی از سیاست‌های کلی نظام بررسی می‌شود.

جدول ۱: جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی نظام

ردیف	خط‌مشی کلی	توضیحات
۱	قانون اساسی	<p>در مقدمه قانون اساسی در بخش «زن در قانون اساسی» بر این اصل تأکید شده که خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان می‌باشد. نکته‌ی حائز اهمیت در این مقدمه، این است که از نگاه قانون‌گذار، زن تنها در شرایطی که در کنار مفهوم خانواده دیده شود، از حالت ابزار شی خارج شده و کرامت واقعی او آشکار می‌گردد.</p> <p>اصل (۱۰) قانون اساسی: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»</p> <p>اصل ۲۱ قانون اساسی «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:..... ۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کبان و بقای خانواده».</p>
۲	سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه	<p>در سیاست‌های کلی برنامه‌ی سوم (بند ۲۵)، برنامه‌ی چهارم (بند ۱۴) و برنامه‌ی پنجم توسعه (بند ۱۲)، تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه‌ی عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده‌ی آنان تأکید شده است.</p>
۳	سند چشم‌انداز بیست‌ساله	<p>در بخشی از متن سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور نیز، به لزوم استحکام خانواده در افق بیست‌سال آینده اشاره شده است.</p> <p>«جامعه در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: برخوردار از سلامت، رفاه و امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.»</p>

ردیف	خط مشی کلی	توضیحات
۴	برنامه‌ی پنجم توسعه	اگرچه در بندهای متعددی از برنامه پنجم توسعه از جمله مواد (۱۸)، (۱۹)، (۳۲)، (۳۴)، (۳۹)، (۴۳)، (۱۷۶) و (۲۱۱) به موضوع حمایت از خانواده توجه شده، با این وجود در ماده (۲۳۰) به طور ویژه بر حمایت از خانواده تأکید شده است: «دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه‌ی زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه‌ی جامع توسعه‌ی امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی-معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه‌ی توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه‌ی تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید.»
۵	«اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن»	در این سیاست که مصوب ۱۳۸۴/۸/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی است، نیز بر لزوم تحقق دیدگاه اسلام در خصوص اهمیت جایگاه، منزلت و کارکردهای خانواده در نظام اسلامی؛ حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن؛ ارتقاء سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده به منظور ایفای نقش آن در سلامت و بهبود فرهنگی جامعه؛ همگرایی و هماهنگی کلیه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در موضوع خانواده به منظور بهبود وضعیت تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده؛ آگاهی افراد خانواده نسبت به حقوق و وظایف یکدیگر و زدودن نگرش‌های غلط جامعه؛ گسترش و تعمیق ارزش‌های اصیل اسلامی در خانواده برای تربیت نسل سالم، با ایمان، مسئول و مؤثر در رشد خود و خانواده؛ ایمن سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده، تأکید شده است.
۶	منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران	در این منشور بر حق و مسئولیت زنان در تحکیم بنیان خانواده و برخورداری از امکانات و حمایت‌های قانونی لازم به منظور پیشگیری از بروز اختلافات و کاهش طلاق (بند ۲۱)؛ حق بهره‌مندی از امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جهت تسهیل امر ازدواج در زمان مناسب و مسئولیت خویش‌داری تا آستانه‌ی ازدواج (بند ۲۲) تأکید شده است.

ردیف	خط مشی کلی	توضیحات
۷	تأکید امام خمینی (علیه السلام) بر اهمیت خانواده	نقش خانواده به خصوص مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان بسیار حساس است و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان آسان تر خواهد بود. اساسا تربیت از دامن مادر و جوار پدر شروع می شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه ریزی می شود (خمینی: ج ۱۵، ص ۱۶۲). ^۱
۸	تأکید مقام معظم رهبری بر اهمیت خانواده	مسئله ی خانواده، مسئله ی بسیار مهمی است؛ پایه ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است... جامعه ی اسلامی، بدون بهره مندی کشور از نهاد خانوادگی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند. بالخصوص در زمینه های فرهنگی و البته در زمینه های غیر فرهنگی، بدون خانواده های خوب، امکان پیشرفت نیست. غرب رندانه از زیر بار طرح مسئله ی خانواده در می رود. توی همه ی بحث هایی که اینها می کنند، بحث زن هست، اما اصلاً بحث خانواده نیست. خانواده، نقطه ی ضعف غرب است. مسئله ی زن را مطرح می کنند، اما اصلاً اسم خانواده را نمی آورند؛ با اینکه زن از خانواده جدا نیست (بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست راهبردی) ^۲

بدین ترتیب، بررسی اجمالی سیاست های کلی نظام نشان می دهد، مجموعه ی سیاست های اتخاذ شده از سوی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با سیاست های جهانی، کاملاً خانواده گرا و در تضاد با پذیرش سیاست های تکثرگرا در خصوص اشکال و مفهوم خانواده است. توجه به تحکیم بنیان خانواده و کنار هم دیدن جایگاه زن و خانواده از نشانه های این واگرایی است.

۱- برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، تنها به بخش کوچکی از سخنان امام (علیه السلام) در رابطه با اهمیت خانواده استناد شده است.

۲- برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، تنها به بخش کوچکی از سخنان مقام معظم رهبری در رابطه با اهمیت خانواده استناد شده است.

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

۳-۲- مروری بر قوانین موضوعی جمهوری اسلامی ایران

توجه به تحکیم بنیان خانواده در سیاست‌های کلان نظام، سبب شده بسیاری از قوانین وضع شده در جمهوری اسلامی ایران، شکلی کاملاً واگرایانه در مقایسه با قوانین جهانی در پیش گیرد. مجموعه قوانینی که در جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مجازات زنا، لواط^۲، مساحقه^۳، قوادی^۴، و سقط جنین عمومی (مواد ۷۱۹-۷۱۶ قانون مجازات اسلامی) تصویب شده همگی نشان دهنده‌ی اهمیت بنیان خانواده و تلاش قانون‌گذار در پیشگیری از رواج نابهنجاری‌ها در آن و در نتیجه واگرایی قوانین ذکر شده با سیاست‌های جهانی است.

نگاهی به قوانین فوق حاکی است، اهمیت بنیان خانواده در نظام جمهوری اسلامی ایران به حدی است که قانون‌گذار با هر مسئله‌ای که بر ساختار و کارکردهای خانواده صدمه وارد سازد، از جمله روابط خارج از چارچوب خانواده،^۵ همجنس‌گرایی،^۶ سقط جنین^۷ و ... به شدت برخورد کرده است.

۱- بر اساس ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد (مواد ۲۳۲-۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی)

۲- هم جنس بازی مردان (مواد ۲۳۳ و ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی)

۳- هم جنس بازی زنان (مواد ۲۳۸ تا ۲۴۰ قانون مجازات اسلامی)

۴- فراهم کردن شرایط لواط یا زنا (مواد ۲۴۲ و ۲۴۳ قانون مجازات اسلامی)

۵- به دلیل مغایرت با تشکیل خانواده

۶- مغایرت با شیوه سنتی همسرگزینی و ساختار خانواده پذیرفته شده در اسلام

۷- مغایرت با کارکرد تولید مثل و حقوق انسانی

نامگذاری روز اول ذیحجه به عنوان روز ازدواج از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی از جمله مواردی است که نشان دهنده‌ی توجه ویژه نظام به حمایت از ازدواج و تحکیم نهاد خانواده می‌باشد.

علاوه بر این مجلس شورای اسلامی نیز در سال ۱۳۸۴ «قانون تسهیل ازدواج جوانان» در ۱۳ ماده به تصویب رساند. در این قانون - که به منظور توانمندسازی و تشویق جوانان به تشکیل خانواده تدوین شده است - تلاش شده مجموعه تسهیلاتی با موضوع پرداخت ودیعه‌ی مسکن، در اختیار گذاشتن مسکن موقت به مدت سه سال با روش انبوه سازی، در اختیار گذاشتن فضای برگزاری مراسم ازدواج با هماهنگی کمیته‌ی سامان ازدواج، پرداخت کمک هزینه‌ی زندگی برای زوجین فاقد درآمد به مدت دو سال، تعیین محل خدمت سربازان متأهل در نزدیک‌ترین پادگان و مرکز نظامی محل سکونت، پرداخت مستمری سربازان متأهل به میزان دو برابر سربازان مجرد، اعطای وام اشتغال، تأمین خوابگاه‌های متأهلی برای دانشجویان، از سوی دولت برای جوانان فراهم شود.

بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران با محور قرار دادن لزوم ازدواج رسمی و شرعی زن و مرد جهت اطلاق مفهوم خانواده به روابط عاطفی و به رسمیت نشناختن روابط هم‌جنس‌گرایان و یا روابط خارج از چارچوب ازدواج، روندی واگرایانه با سیاست‌های تضعیف‌کننده‌ی نهاد خانواده در غرب پیموده است.

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

با وجود این و علی‌رغم تکرر قوانین خانواده محور - که به برخی از آنها در مطالب فوق اشاره شد - در نظام جمهوری اسلامی ایران، قوانین و سیاست‌هایی وضع شده که می‌توان آنها را همگرا با سیاست‌های جهانی ذکر شده قلمداد کرد، هر چند که این همگرایی در مواردی است که سیاست‌ها به‌طور مستقیم سبب تضعیف نهاد خانواده نمی‌شوند. از جمله این سیاست‌ها، می‌توان به سیاست‌های تشویقی اشتغال زنان، تأسیس رشته‌ی مطالعات زنان، پیروی از سیاست‌های کنترل جمعیت جهانی و اشاره کرد. در ادامه برخی از این سیاست‌ها بررسی می‌شود.

الف - وضع سیاست‌های تشویقی جهت اشتغال زنان

چنان که گذشت، یکی از عمده‌ترین تأثیرات جهانی شدن در نهاد خانواده، دگرگونی نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده‌ی اعضای خانواده است. در نتیجه‌ی جهانی شدن، نقش‌های محول بر مبنای ازدواج سنتی - که برای مردان نان‌آوری و حضور در فضای خارج از خانه و برای زنان نقش‌های خانگی بود - دستخوش تغییر شده است. سیاست‌های تشویقی اشتغال زنان، در غرب نقش مهمی را در گسترش این روند ایفا نموده‌اند. بر این مبنای یکی از مواردی که نشان دهنده‌ی همگرایی سیاست‌ها و قوانین جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های جهانی است، تمرکز و ارزش‌گذاری بر اشتغال زنان در سیاست‌های وضع شده در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. ردّ پای وضع این سیاست‌ها را در قوانین توسعه می‌توان مشاهده کرد. لازم به ذکر است هرچند فعالیت اقتصادی - اجتماعی زنان در اسلام نهی نشده، اما آنچه در

رابطه با آن ارزش گذاری شده و مقدم دانسته شده فضیلت خانه‌داری است. بررسی قوانین توسعه‌ی کشور به عنوان مهم‌ترین سند راهبردی میان مدت نشان می‌دهد، این قوانین در راستای سیاست‌های جهانی، مشارکت اقتصادی زنان را هدف قرار داده‌اند و در مقابل هیچ سیاست حمایتی از خانه‌داری تدوین نشده است؛ لذا از این منظر (تمرکز صرف بر اشتغال زنان و تبدیل آن به مطالبه‌ی اجتماعی) می‌توان این سیاست‌ها را همگرا با سیاست‌های جهانی دانست.

جدول ۲: بررسی سیاست‌های تشویقی اشتغال زنان در برنامه‌ی پنج‌گانه توسعه

ردیف	قانون	توضیحات
۱	قانون برنامه اول توسعه	<p>- در بخش خط مشی‌ها، مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن (۱۸-۳) تأکید شده است.</p> <p>- در بخش سیاست تحدید موالید نیز، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به منظور کاهش نرخ رشد جمعیت کشور (کاهش ۶/۴ مولود زنده در سال ۱۳۶۵ به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰) موظف به اجرای وظایف ذیل شده است: بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و به خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم.</p> <p>اعتلاء موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی جامعه و خانواده....</p>
۲	قانون برنامه دوم توسعه	<p>- در بخش خط مشی‌های اساسی یکی از راه‌کارهای رشد فضائل براساس اخلاق اسلامی و ارتقاء کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی دانسته شده است.</p>
۳	قانون برنامه سوم توسعه	<p>- بر اساس ماده‌ی (۱۵۸)، مرکز امور مشارکت زنان موظف است «طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقاء شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش‌بینی شده در این قانون و متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به منظور تصویب به هیئت وزیران ارائه کند».</p>

توضیحات	قانون	ردیف
<p>- در مادهی (۵۴)، دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند دوره‌های آموزشی ضمن خدمت متناسب با مشاغل مورد تصدی کارکنان، به منظور افزایش سطح کارایی و ارتقای مهارت‌های شغلی آنان (به خصوص برای زنان) به ویژه از طریق آموزش‌های کوتاه مدت برگزار نمایند.</p> <p>- در مادهی (۱۰۱)، دولت موظف است، برنامه‌ی ملی توسعه‌ی «کار شایسته» را به عنوان گفتمان جدید عرصه‌ی کار و توسعه، بر اساس راهبرد «سه‌جانبه‌گرایی» که متضمن عزت نفس، برابری فرصت‌ها، آزادی و امنیت نیروی کار، همراه با صیانت لازم باشد و مشتمل بر محورهای ذیل تهیه و تا پایان سال اول برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تقدیم مجلس شورای اسلامی بنماید:</p> <p>ج) گسترش حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، ایجاد، توسعه و تقویت سازوکارهای جبرانی، حمایت‌های اجتماعی از شاغلین بازار کار غیر رسمی، توانبخشی معلولین و برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب)</p> <p>- در مادهی (۱۱۱)، دولت موظف است با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه‌ی فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور اقدام‌های ذیل را معمول دارد:</p> <p>الف) تدوین، تصویب و اجرای برنامه‌ی جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فن‌آوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان.</p>	<p>قانون برنامه چهارم توسعه</p>	<p>۴</p>
<p>- مادهی (۲۳۰)، دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه‌ی زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه‌ی جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید.</p>	<p>قانون برنامه پنجم توسعه</p>	<p>۵</p>

چنان‌که ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین دغدغه‌ی دولت در تدوین برنامه‌های توسعه، موضوع اشتغال زنان و ارتقاء جایگاه اقتصادی آنان در جامعه است. از برنامه‌ی دوم به بعد، هیچ اشاره‌ای به مسئولیت دولت در زمینه‌ی ارتقاء جایگاه زن در خانواده با توجه به نقش همسری و مادری نشده است. در این برنامه‌ها، علاوه بر اینکه به کار بدون دستمزد زنان خانه‌دار در احتساب تولید ناخالص ملی بی‌مهری شده است، هدف سیاست‌گذار تنها بهبود وضعیت زنان تحصیل‌کرده بوده و برنامه‌ریزی منسجم و قابل‌طرحی برای زنان خانه‌دار و فاقد تحصیلات عالی ارائه نشده است (زعفرانچی ۱۳۸۵: ۱۲۰).

تنها برنامه‌ای که می‌توان آن را مغایر با سیاست‌های جهانی دانست برنامه‌ی پنجم توسعه است، چرا که در این برنامه، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی و معیشتی زنان با اولویت زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست دیده شده است. به عبارت دیگر در این برنامه اشتغال زنان از یک مطالبه‌ی عمومی برای تمامی افراد (بدون توجه به تبعات آن برای خانواده‌ها به ویژه افزایش بیکاری در مردان به عنوان سرپرستان خانواده) به یک اولویت برای زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست تبدیل شده است.

بدین ترتیب سیاست لحاظ شده در برنامه‌های توسعه‌ی کشور به جزء برنامه‌ی پنجم، همگرا با سیاست‌های جهانی و در جهت افزایش اشتغال زنان تمرکز یافته است. هرچند همان‌طور که گفته شد، اعمال سیاست‌های تشویقی اشتغال زنان، فی‌نفسه منجر به فروپاشی خانواده نمی‌شود، اما از آنجا که فراخوان عمومی زنان به عرصه‌ی اشتغال با وقایعی همچون کاهش

حضور زنان در خانه، افزایش واگذاری تربیت کودکان به مهدکودک‌ها، افزایش امکان مزاحمت جنسی برای زنان و فراهم شدن این فضای روانی که مشارکت اقتصادی زنان سبب ارزشمندی و ارتقای جایگاه آنها در جامعه می‌شود، همراه است، سبب تغییر و تضعیف در کارکردهای خانواده می‌گردد.

ب - تأسیس رشته‌ی مطالعات زنان در ایران^۱

تأسیس رشته‌ی مطالعات زنان در ایران، توسط شورای عالی برنامه ریزی در تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۹، یکی دیگر از نشانه‌های همگرایی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی و تمرکز بر مسائل زنان بدون توجه بر لزوم شناخت مسائل و مشکلات خانواده است.

این رشته در اواخر دهه‌ی ۶۰ میلادی، با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر کشورهای غربی به ویژه جنبش دانشجویی با گرایش‌های سیاسی چپ، از سوی «جولیت میچل» در قالب دوره‌های آزاد آموزشی راه‌اندازی شد. مطالعات زنان، در اوایل دهه‌ی ۸۰ میلادی به تدریج از کلاس‌های آزاد آموزشی به دوره‌های رسمی دانشگاهی تغییر شکل یافت و هم اکنون در بسیاری از کشورها به عنوان رشته‌ای مستقل وجود دارد (پاپی نژاد و دیگران ۱۳۸۹: ۱۷).

برنامه‌ریزی برای تأسیس رشته‌ی مطالعات زنان در جمهوری اسلامی ایران، در ابتدا از سوی مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات زنان مورد توجه قرار گرفت.

۱- هرچند که برنامه‌ها و واحدهای درسی این رشته با آنچه در جهان تدریس می‌شود، به خصوص پس از بازنگری رشته در سال ۱۳۸۴ متفاوت است.

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

این مؤسسه پس از کنفرانس پکن و مکاتبه با دانشگاه‌های گوناگون دنیا طرح ایجاد رشته‌ی مطالعات زنان را آماده کرد. سپس در سمیناری یک روزه در دانشگاه تربیت مدرس، با حضور اساتید و مدیران وزارتخانه، راه‌اندازی رشته به صورت دانشگاهی بررسی شد (بصری ۱۳۸۰). در نوزدهم دی ماه ۱۳۷۸، طرح دوره‌ی کارشناسی ارشد مطالعات زنان در شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی تصویب و در سال ۸۱-۱۳۸۰ اجرایی شد. هر چند که در طراحی اهداف و واحدهای درسی این رشته تلاش شده، آموزه‌های دینی و تعالیم اسلام مد نظر قرار گیرد،^۱ اما منابع، محتوای دروس و نظریاتی که مبنای تحلیل و بررسی مسائل زنان ایران قرار می‌گیرد، کاملاً مبتنی بر نظریات غربی است. در این رشته مسائل و آسیب‌های حوزه‌ی زنان، همانند سایر شاخه‌های علوم اجتماعی با استفاده از نظریات غربی تبیین می‌شود. بدین ترتیب نمی‌توان انتظار داشت، ارائه‌ی راه‌کار جهت حل چالش‌های حوزه‌ی زنان و خانواده در این رشته مبتنی بر شرایط بومی-اسلامی طراحی شود.

انتظار می‌رفت برنامه‌ریزان رشته‌ی مطالعات خانواده جهت مطالعه‌ی تحولات خانوادگی ایرانی و چالش‌های پیش روی آن را تأسیس کنند، درحالی که در رشته‌ی مطالعات زنان، عمدتاً بر مطالبات زنان همگرا با

۱- هدف از تأسیس این رشته، معرفی شأن و نقش زن در جهان هستی از دیدگاه اسلام، تربیت نیروی انسانی متخصص در جهت آموزش و پژوهش در امور زنان؛ تربیت نیروی انسانی جهت سیاست‌گذاری مطلوب در سطوح مختلف برنامه‌ریزی کشور و تقویت بیش علمی نسبت به مسئله زن جهت اصلاح نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی بیان شده است.

سیاست‌های جهانی تأکید می‌شود. به عبارت دیگر تأسیس رشته‌ی مطالعات زنان در جمهوری اسلامی ایران را نیز می‌توان نشانه‌ای از همگرایی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های جهانی و توجه به مسائل و چالش‌های زنان به جای توجه به چالش‌های خانواده دانست.

ج - همگرایی با سیاست‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت

پی‌گیری موضوع تنظیم خانواده و کنترل جمعیت در کشور، بیشتر وامدار برنامه‌های کنترل جمعیت سازمان‌های بین‌المللی است. دریافت جایزه‌ی کنترل جمعیت از سوی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸ نیز نشان دهنده‌ی میزان همگرایی سیاست تحدید مولید در جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های جهانی کنترل جمعیت می‌باشد. این امر در حالی است که همگرایی افراطی با این سیاست، بدون در نظر گرفتن سایر ابعاد این مسئله و نبود برنامه‌ریزی جهت ممانعت از رشد منفی جمعیت، در نهایت منجر به پیشی گرفتن نرخ رشد جمعیت در کشور از پیش‌بینی قانون برنامه‌ی اول توسعه^۱ و کاهش آن به ۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ شده است. امری که می‌تواند مشکلات متعدد اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی را در آینده برای کشور رقم زند. به عبارت دیگر سیاست جمهوری اسلامی ایران در رابطه با تحدید مولید، همگرا با سیاست‌های جهانی و در راستای تضعیف کارکردهای خانواده بوده است.

۱- در این قانون پیش‌بینی شده نرخ رشد جمعیت در کشور به ۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یابد.

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

نکته‌ی مهم این است که هرچند همگرایی سیاست‌های اتخاذ شده در جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی را نمی‌توان به معنای همگرایی با سیاست‌های فروپاشی خانواده‌ی سنتی دانست، اما این سیاست‌ها، حاکی از توجه کمتر به موضوع خانواده و اهمیت تحکیم آن برای جلوگیری از تضعیف نهاد خانواده است. نتیجه‌ی همگرایی با چنین سیاست‌های جهانی، شاید پیشرفت روزافزون زنان در عرصه‌های مختلف آموزشی، اجتماعی و اقتصادی تلقی شود، اما به موازات آن کیفیت نهاد خانواده به جهت استفاده از مشوق‌های حضور اجتماعی زنان و نبود وضع قوانین حمایتی از تداوم نهاد خانواده، تحدید و تقلیل پیدا کرده است، کاهش نرخ ازدواج^۱ (ثبت احوال، ۱۳۹۱)، افزایش آمار طلاق^۲، کاهش نرخ رشد جمعیت^۳ (همان) و ... از نشانه‌های این مسئله است.

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بررسی سیاست‌ها و قوانین وضع شده در کشورهای مختلف، نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها با پذیرش دیدگاه تکثر در رابطه با خانواده در فرایند یکپارچگی جهانی و تصویب قوانین مختلف جهت به رسمیت شناختن روابط خارج از چارچوب خانواده، سقط جنین، ازدواج همجنس‌گرایان،

۱- در سال ۱۳۹۱ تعداد ۸۲۹۹۶۸ واقعه ازدواج با نرخ رشد منفی ۵ درصد در مقایسه با سال گذشته و تعداد ۱۵۰۳۲۴ واقعه طلاق با نرخ رشد ۵/۲ درصد نسبت به سال قبل ثبت شده است.

۲- در سال ۱۳۹۱ نسبت ازدواج به طلاق در کل کشور ۵/۵ بوده است.

۳- نرخ رشد جمعیت در سال ۱۳۹۰، ۱/۳ درصد گزارش شده است.

حقوق کودکان نامشروع، آموزش مسائل جنسی در کلاس‌های درسی، حمایت از نهضت‌های فمینیستی، تمرکز بر مفهوم زن به جای خانواده در سیاست‌ها و ... به استقبال تضعیف خانواده‌ی سنتی رفته و در حقیقت به آن دامن زده‌اند.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران با محور قرار دادن لزوم ازدواج رسمی و شرعی زن و مرد جهت اطلاق مفهوم خانواده به روابط عاطفی و به رسمیت نشناختن روابط همجنس‌گرایان و یا روابط خارج از چارچوب ازدواج روندی واگرایانه با سیاست‌های تضعیف‌کننده‌ی خانواده در غرب پیموده است.

با وجود این و علی‌رغم تکرر قوانین خانواده محور در قوانین جمهوری اسلامی ایران، برخی از سیاست‌های وضع شده در جمهوری اسلامی ایران همگرا با سیاست‌های جهانی تضعیف نهاد خانواده و تقویت زن محوری به جای خانواده محوری است.

طراحی برنامه‌های توسعه به ویژه برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با محوریت مسائل جنسیتی و افزایش مشارکت اقتصادی زنان و تبدیل آن به یک مطالبه‌ی عمومی برای زنان، تأسیس رشته‌ی مطالعات زنان در ایران در تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۹ توسط شورای عالی برنامه‌ریزی، اعمال سیاست‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت در کشور بدون بازنگری در آن و با توجه کاهش چشمگیر نرخ رشد جمعیت در سال‌های اخیر از نشانه‌های این همگرایی با سیاست‌های جهانی است.

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

اگرچه همگرایی با سیاست‌های فوق مستقیماً منجر به فروپاشی خانواده ایرانی نمی‌گردد، اما این سیاست‌ها با اختلال در الگوی مطلوب خانواده و تضعیف آن موجب تشدید آسیب‌های اجتماعی چون افزایش طلاق، کاهش ازدواج، کاهش فرزندآوری و ... می‌شوند؛ امری که بازنگری این سیاست‌ها را در راستای تحکیم خانواده الزامی می‌کند. لازمه‌ی این امر تغییر سیاست‌ها در حوزه‌های زیر است:

۴-۱- بازنگری در سیاست‌گذاری‌های تشویقی اشتغال زنان

همان‌طور که گفته شد، جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست‌های جهانی اقدام به تشویق اشتغال زنان در سیاست‌های میان مدت و کوتاه مدت خود نموده است. این در حالی است که افزایش اشتغال تمام وقت زنان با پیامدهایی چون کاهش تمایل به فرزندآوری، افزایش واگذاری تربیت کودکان به مهدکودک، افزایش امکان مزاحمت‌های جنسی، سردتر شدن فضای عاطفی حاکم بر خانواده به دلیل تعامل کمتر زوجین و ... همراه است. بازنگری در این امر توجه به موارد زیر را ضروری می‌سازد:

الف- به رسمیت شناختن فعالیت خانه‌داری و تکریم زنان خانه‌دار؛ بر اساس آنچه از آموزه‌های اسلامی بر می‌آید، اولویت ارزشی نظام اسلامی مسئله‌ی خانه‌داری زنان است. بدین ترتیب آنچه در نظام اسلامی بایستی تشویق و با ارزش تلقی شود، فعالیت‌های خانه‌داری است. ایجاد بیمه‌ی حمایت‌گر از زنان خانه‌دار و محاسبه‌ی فعالیت‌های خانگی در شاخص‌های اقتصادی، از راه‌کارهایی است که دولت می‌تواند برای ارزش‌گذاری کار

خانگی انجام دهد. گفتمان سازی در راستای تکریم خانه‌داری نیز از طریق توجه به نقش، اهمیت و جایگاه زنان خانه‌دار در رسانه‌ها و نظام آموزشی الزامی است.

ب - امکان بخشی برای کاهش تعارض نقش خانه داری با اشتغال زنان؛ به علت اجتناب ناپذیر بودن اشتغال زنان در بسیاری از حوزه‌ها، ضروری است که سیاست‌گذاران در مواجهه با این امر سیاست‌ها و قوانینی در راستای حل تعارض اشتغال و مسئولیت‌های خانگی زنان وضع کنند. اجرایی ساختن کار نیمه وقت بانوان، حمایت از مشاغل خانگی، انعطاف پذیر کردن ساعات کار بانوان شاغل، افزایش مرخصی‌های زایمان و ... از جمله این سیاست‌ها می‌باشند.

ج- اولویت‌بخشی به زنان سرپرست خانوار و خود سرپرست در سیاست‌های اشتغال‌زا؛ به نظر می‌رسد بایستی اولویت سیاست‌گذاری نظام جمهوری اسلامی ایران حمایت از اشتغال زنان خودسرپرست و بدسرپرست باشد و حمایت ویژه از اشتغال این قشر در قالب قوانین حمایتی در دستور کار مجلس محترم قرار گیرد.

۴-۲- بازنگری سیاست‌گذاری در زمینه‌ی کنترل جمعیت و تنظیم خانواده

سیاست‌های کنترل جمعیت که در ۲۵ سال گذشته بدون مطالعات کارشناسی کافی و با اثرپذیری از الگوهای غربی توسعه و مطالبات نهادهای بین‌المللی اجرایی شده است، پیامدهای ناگواری از جمله کاهش نرخ رشد جمعیت به ۱/۳ درصد را به همراه داشته و در آینده نیز کشور را با پیری

ارزیابی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با روندهای جهانی در حوزه‌ی خانواده

جمعیت و مسائل اجتماعی و سیاسی تازه‌ای روبه‌رو می‌سازد. در عین حال افزایش سن ازدواج در نبود سیاست‌های حمایتی برای کاهش ازدواج، موجب کاهش دوره‌ی باروری در زنان و کاهش نرخ مولید شده است. بر این اساس، بازنگری سیاست‌های فوق الزامی است؛ لذا اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

الف- حذف سیاست‌ها و قوانین اعمال‌کننده‌ی محدودیت برای فرزندان چهارم به بعد؛^۱

ب- اتخاذ سیاست‌های حمایتی از فرزندآوری از جمله اعطای کمک هزینه‌ها و افزایش یارانه‌های پرداختی؛

ج- اعمال سیاست‌های تشویقی در راستای کاهش سن ازدواج مانند افزایش وام کمک هزینه‌ی ازدواج برای زوج‌هایی که زیر سن ۲۴ سالگی ازدواج کرده‌اند، کاهش دوره‌ی سربازی برای پسرانی که زیر سن ۲۴ سالگی ازدواج کرده‌اند.

۳-۴- توسعه و حمایت از فضاها‌ی پژوهشی خانواده محور

بخشی از جریان‌های پژوهشی کشور تحت تأثیر ایده‌هایی چون فمینیسم و حقوق بشر در غرب، مسئله‌ی زنان را در محوریت برنامه‌های خود قرار داده و گفتمان حاکم بر آنها را که مبتنی بر فردگرایی و انفکاک زن از خانواده است، ترویج می‌کنند. آنچه در این بخش الزامی می‌نماید تغییر سیاست‌های

۱- قوانین اعمال‌کننده محدودیت برای فرزندان چهارم به بعد بر اساس قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۰ مجلس شورای اسلامی حذف گشته است.

پژوهشی کشور از محوریت زن به محوریت خانواده بر اساس موارد زیر است:

- الف- تأسیس نهادهای پژوهشی خانواده محور؛
- ب- رصد مداوم شاخص‌ها و آمارهای مرتبط با موضوع خانواده؛
- ج- ایجاد رشته‌ی مطالعات خانواده در مقاطع بالاتر؛
- د- حمایت از پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های متمرکز بر مسائل مبتلابه خانواده با هدف تحکیم خانواده.

منابع

- ◀ برنامه‌های پنج‌گانه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (برنامه اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم).
- ◀ بصیری، مریم. «گزارش از راه‌اندازی رشته مطالعات زنان و مطالعات خانواده در دانشگاه‌های کشور»، پیام زن، دفتر چهارم، ویژه‌نامه ش ۲، (۱۳۸۰).
- ◀ بلالی، اسماعیل. «زنان و پیامدهای سقط جنین»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۲، (۱۳۸۲).
- ◀ پای‌نژاد، شهربانو و دیگران ۱۳۸۹. مطالعات زنان، ترجمه و تلخیص منیره رضایی، قم، معارف.
- ◀ خمینی، سید روح‌الله. صحیفه نور، ج ۱۵.
- ◀ زعفرانچی، لیلا سادات. «زنان و خانواده در چهار برنامه‌ی توسعه»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۳، (۱۳۸۵).
- ◀ سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴.
- ◀ سیاست «اهداف، اصول و تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن» مصوب ۱۳۸۴/۸/۷ مجلس شورای اسلامی.
- ◀ سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه.
- ◀ عنایت، حلیمه و مجید موحد. «زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن»، پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۲، (۱۳۸۳).
- ◀ فرهنگدپور، مریم و آمنه بختیاری. «واگردهای فمینیستی در ازدواج»، کتاب زنان، ش ۳۱، (بهار ۱۳۸۵).
- ◀ قانون تسهیل ازدواج جوانان مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۷ مجلس شورای اسلامی.
- ◀ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی.
- ◀ کاستلز، مانوئل ۱۳۸۰. عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، تهران، طرح نو.
- ◀ کریستنس، برایس ۱۳۸۷. تأثیر فمینیسم در فروپاشی حکومت‌ها، قم، نهاد نمایندگی

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

- مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معارف.
- ◀ گاردنر، ویلیام ۱۳۸۶. جنگ علیه خانواده، تلخیص و تدوین معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ◀ گل محمدی، احمد ۱۳۸۱. جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران، نی.
- ◀ گیدنز، آنتونی ۱۳۷۹. جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، علم و ادب.
- ◀ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ◀ ویلسون، جیمز ۱۳۸۴. فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه‌ی معصومه محمدی و دیگران، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معارف.
- www.bbc.co.uk/persian/
- <http://www.mydivorce.com.au/divorceadvice/divorce-statistics-australia.htm>
- <http://khamenei.ir/>
- <http://www.mashreghnews.ir/>
- <http://www.jamejamonline.ir/>
- <http://www.irna.ir/>